



## از تنها‌یستی اجباری تا تنها‌یستی اختیاری

**۶۶ درصد خانوار های «تک‌نفره» زن هستند**

یک نفر، یک خانه و یک زندگی تک‌نفره؛ قدیم‌ترها نامش زندگی مجردی بود و حالا با زیاد شدن آمار زندگی های مجردی ارتاگر جامعه پذیری اینگونه زندگی‌ها هم بیشتر شده و نامش را گذاشته‌اند خانواده تک‌نفره؛ نکته قابل تأمل اینجاست که طبق آمارها ۶۶ درصد خانوار های «تک‌نفره» زن هستند و زندگی تنهایی یک زن یعنی دنیایی از چالش‌هایی که در مسیر راهش قرار دارد. تنها بودن و تنها‌زندگی کردن و به تنهایی نقش یک خانواده را به عهده گرفتن چندان امر ساده‌ای نیست اما ساز و کارهای جامعه کنونی موجب شده تا شاهد چنین رخدادی باشیم و هر بار هم که نتایج آمارگیری‌ها روشن می‌شود با افزایش این تپ از خانواده‌ها مواجهیم به گونه‌ای که تعداد کل خانوارهای ایرانی در سال ۹۵ حدود ۲۴ میلیون است که این میان درصد خانوارهای زن سرپرست از بیش از ۱/۵ میلیون نفر (۹/۴ درصد) در سال ۸۵ در سال ۹۵ با رسیدن به بیش از ۲ میلیون نفر به ۱۲/۷ درصد افزایش یافته‌است. در سال ۸۵ بیش از ۸۰۰ هزار خانوار تک‌نفره در کشور مورد شمارش قرار گرفته بود که این رقم در سال گذشته به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده‌است. از این تعداد بیش از ۶۸ هزار خانوار مرد و ۳۵۰ هزار خانوار زن سرپرست هستند. از آنجا که نسبت کل خانوارهای کشور در سال ۸۵، ۵/۲ درصد بوده که این عدد در سال ۹۵ به ۸/۵ درصد رسیده، این در حالی است که ۶۶/۴ درصد از کل خانوارهای «تک‌نفره» زن سرپرست هستند.

■ **تنها‌یستی اجباری یا اختیاری؟**

کافی است تا دور و رو خودمان را نگاهی بیندازیم، حتماً با یکی دو مورد زندگی مجردی چه در میان زنان و چه در میان مردان مواجه خواهیم شد. شهلای کاطمی پور جمعیت‌شناس هم در این باره معتقد است: در گذشته تنها‌یستی امری ناخواسته بوده و فرد به دلیل از دست دادن خویشان، طلاق یا مهاجرت خود یا سایر اعضای خانواده مجبور به تنها‌یستی می‌شد. در دنیای امروز اما علاوه بر تنها‌یستی، گروهی از افراد به شکل خودخواسته علاقه‌مند هستند تا تنها زندگی کنند. به تأخیر افتادن سن ازدواج، عدم اتکای مالی به خانواده، افزایش میزان طلاق و مهاجرت‌های شغلی و تحصیلی مهم‌ترین عواملی هستند که در تنها‌یستی تأثیر گذاشته‌اند. این استاد دانشگاه کم‌رنگ شدن کار کردهای خانواده را از دیگر عوامل رواج تنها‌یستی در جامعه می‌داند و می‌گوید: شکاف نسلی بین جوانان والدین و کم‌رنگ شدن کانون و فضای گرم خانواده از دیگر عوامل مؤثر در این پدیده بوده‌اند.

■ **معطل اجتماعی چه برده**

امید علی‌احمدی جامعه‌شناس هم دوری از نظرات والدین و سختگیری آنان، شکاف بین نسلی، دستپاچی جوانان به سطحی از درآمد و تحصیلات که زندگی مجردی را برایشان امکان‌پذیر می‌کند و فرار از اصرار خویشاوندان برای ازدواج را از دلایل تمایل جوانان به تنها‌یستی و تأخیر در ازدواج می‌داند. از نگاه وی، چند براساس آمارها با موضوع تنها‌یستی به شکل یک معطل اجتماعی گسترده روبرو هستیم، اما در عین حال باید روی صحت این آمارها از چند جهت تردید کرد. علی‌احمدی معتقد است: زمانی که از خانوارهای تک‌نفره آمارگیری می‌شود، افراد ممکن است به دلایل فرهنگی مانند اینکه معمولاً خانوار تنها‌یست توسط فرد دیگری از اعضای خانواده اجاره می‌شود یا آنها‌داغ می‌کنند با فرد دیگری زندگی می‌کنند، از اظهار واقعیت خودداری کنند.

■ **معلق بودن میان سنت و مدرنیته**

یکی از مهم‌ترین عوامل تغییرات جدی در حوزه ازدواج و جاماندن گروهی از افراد از این قافله قرار داشتن جامعه در حالت گذار است.

علی‌احمدی هم معتقد است آنچه در کلیت جامعه‌بان مواجه هستیم، این است که مدرنیسم در جامعه ایران باعث ایجاد تغییراتی در گرایش افراد به سمت ازدواج نشده است. دو پیامد ناشی از مدرنیته یعنی «فردیت» و «عقلانیت» از نهاد ازدواج و خانواده چالش‌های جدیدی پدید کرده‌است. این جامعه‌شناس با اشاره به تأثیر تحولات جامعه ایران نظیر فرسودگی و کاهش سرمایه اجتماعی در گرایش جوانان به ازدواج تأکید می‌کند: مشارکت و روابط اجتماعی کمک شایانی در انتخاب همسر می‌کند، در حالی که با آسیب دیدن پشتوانه سرمایه و اعتماد اجتماعی، جوانان با مشکلات جدی در شناخت فرد مناسب برای زندگی رنانشویی روبرو شده‌اند چرا که نمی‌توانند فردی را بیابند که به او اعتماد کنند. از نگاه کاطمی پور برای حل مشکل طلاق در جامعه باید روی مسئله ازدواج و سامان دادن به آن تمرکز کرد. وی می‌افزاید: مشکل اصلی در جامعه جوانان نیستند بلکه مشکل اصلی نوع نگاه خانواده‌ها به ازدواج است.

■ **پیشگیری از یک معطل**

طبق آمار سازمان ۲۰ تا ۴۴ ساله‌ای که هرگز ازدواج نکرده‌اند ۳۳/۲ درصد و این رقم در زنان ۱۵ تا ۳۹ ساله ۳۱/۳ درصد است. این بدین معناست که به‌لحاظ آماری در حوزه ازدواج مشکل جدی وجود ندارد و چالش‌های این حوزه ساختاری است. ضرورت پیشگیری از فراگیری تنها‌یستی امری انکارناپذیر است و تا دیر نشده باید برای این چالش فکری کرد.

## ازدواج در سن ۱۷ تا ۱۹ سالگی ۵ برابر استحکام بیشتری دارد

قائم‌مقام رئیس شورای فرهنگی – اجتماعی زنان معتقد است، ازدواج در سن ۱۷ تا ۱۹ سالگی پنج برابرس استحکام بیشتری نسبت به سایر سنستین دارد. کبری خزعلی قائم‌مقام شورای فرهنگی –اجتماعی زنان و خانواده درباره طرح افزایش سن قانونی ازدواج گفت: موضوع زن و حضور زن در جامعه از مباحث مهم همه دوران‌هاست و دشمن همیشه از راه نفوذ در خانواده زنان وارد عمل می‌شود.وی افزود: ازدواج کودکان یک کلمه دروغ است و واقعیت ندارد زیرا تعریف کودک در جوامع مختلف متفاوت است. خزعلی تصریح کرد: دنیا در راستای فشارهای غرب سن ازدواج دختران را به ۱۵ و پسران را به ۱۸ سال رساند. کشورهایی هستند که سن ازدواج در آنها ۱۵، سن رأی دادن آنها ۱۸ سال و سن مجازات در آنها هفت سال است. وجود عدالت اجتماعی سبب می‌شود که فرد به خوبی رشد کند و اگر این شیوه درست نباشد تا سن ۲۰ سالگی هم ممکن است فردی آمادگی ازدواج نداشته‌باشد. قائم‌مقام رئیس شورای فرهنگی –اجتماعی زنان ادامه داد: تحقیقات نشان داده ازدواج در سن ۱۷ تا ۱۹ سال پنج برابر استحکام بیشتری نسبت به سنین بالاتر دارد، مرگ و میر در حین زایمان در این افراد به مراتب کمتر است. وی گفت: ممکن است یک پدر معتاد فرزندش را بفرودشد که این موضوع کمتر از یک در صد اتفاق می‌افتد که باید برای آن مجازات تعیین کرد اما نمی‌شود به این دلیل قانون را تغییر داد. باید شرایط ازدواج را در کل جامعه تسهیل کرد.

دوشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۶ | ۱۷ صفر ۱۴۳۹ |

# زنان

سرویس اجتماعی ۹۰۹۸۴۴۰۰۸۸



**معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با «جوان»:**

# طلاق در میان بچه‌های بهزیستی از متوسط جامعه پایین‌تر است

**گفت‌وگو زهراچذری** دخترند اما ز رایگود تا خوایشان ببرد. پدر و مادر هم آنها را نخواستند و آینده‌شان را به دست دولت سپرده‌اند. هر چند که بعضی‌ها پشان مانند همه بچه‌ها عزیز دل پدر و مادر بوده‌اند اما قصه‌شان از میانه‌های راه مسیر زندگی‌شان را به پرورشگاه کشانده است. پدر و مادر یا عمر‌شان به بزرگ کردن نازدانه‌ها پشان قد ندهاده یا اعتیاد، زندان و جرائم‌ریز و درشت‌دیگر موجب شده تا نقش آفرینی در نقش‌هایشان را فراموش کنند و پپی کار خود برونند و فرزندانشان را به دایگی بهزیستی بفرستند. برخی‌ها پشان هم قصه‌شان با فقر گره خورده و خانواده‌ها از سر ندراری و ناچاری آنها را بر سر راه گذاشته‌اند. خلاصه اینکه بچه‌هایی که در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی قد کشیده‌اند هر کدام‌شان کتاب‌خوانده‌ای هستند و قصه‌ای شنیدنی در

**وضعیت بچه‌هایی که بعد از ۱۸ سالگی از بهزیستی خارج می‌شوند موضوعی نگران‌کننده است. ۱۸ سالگی طبعاً سنی نیست که این بچه‌ها بتوانند روی پای خود بایستند. آقای دکتر بچه‌های بهزیستی بعد از ترخیص چه وضعیتی پیدا می‌کنند؟**

یکی از نگرانی‌های خود ما بحث توانمند کردن بچه‌هاست که خیلی قبل از ۱۸ سالگی باید آغاز شود؛ این توانمندسازی می‌تواند روانی باشد، تحصیلی یا حرفه‌آموزی باشد. ما تأکید داریم که این بچه‌ها بعد از ۱۵ سالگی مهارتی را بیاموزند. در حال حاضر چقدر از این بچه‌ها سالا نه از مراکز شما ترخیص می‌شوند؟

سال‌ی ۶۰، ۷۰ نفر از این بچه‌ها از مراکز تحت پوشش بهزیستی خارج می‌شوند و شبانه‌روز در این مراکز اقامت می‌کنند. تقریباً حدود نیمی از این بچه‌ها ازدواج می‌کنند و از مراکز می‌روند و نیم دیگر نیز وارد زندگی مستقل می‌شوند.

**درست است که امکان‌ها به نظر شما محدود است اما با نظر بهما ۱۸ سالگی برای استقلال یک فرد سن پایینی نیست و نمی‌تواند این بچه‌ها را با مشکل مواجه کند؟**

اولاً اینکه حتماً باید این بچه‌ها به سن ۱۸ سالگی تمام برسند و قبل از ۱۸ سالگی هیچ کدام از بچه‌های ما از مراکز بهزیستی نمی‌روند. بعد از ۱۸ سالگی هم ما مراکزى را داریم تحت عنوان مراکز آماده‌سازی که حالت پانسیون است و هر چهار تا پنج تا بچه‌هایی که از ازدواج نکرده‌اند در یک خانه هستند به همراه یک مربی یا مددکار که به نوعی پانسیون به شمار می‌رود و بچه‌ها در این مراکز به صورت نیمه شبانه‌روزی حضور دارند به این معنا که به دنبال کار و درس خود می‌روند اما در این مراکز مستقر هستند تا فرآیند توانمندسازی آنها تکمیل شود. این بچه‌ها شش ماه تا یک سال هم می‌توانند در این مراکز باشند البته ما گفتیم که دیگر محدودیت زمانی وجود نداشته باشد هر چند یکی از بخش‌هایی که در آن با کمبود بودجه و منابع مواجه هستیم این بخش است و باید به دنبال و منابع باشیم. طبق دستورالعمل‌های موجود این بچه‌ها حداقل تا پنج سال بعد از ترخیص تحت نظارت ما هستند و باید گزارش‌های مددکاری برای آنها تهیه شود و برای بازدید از منازل آنها می‌روند و به این بچه‌ها کمک می‌کنند.

**چه مبلغی به این بچه‌ها کمک مالی می‌شود و به نظر شما چندین مبلغی برای تشکیل یک زندگی مستقل کافی است؟**

ما تا شش، هفت سال پیش هیچ منبعی برای ترخیص این بچه‌ها نداشتیم و فقط بر مبنای

کمک‌های خیرین حرکت می‌کردیم همچنان هم خیرین به ما کمک می‌کنند. اما امسال توانستیم در اعتبارات ۱۸ میلیون تومان کمک هزینه را برای ترخیص این بچه‌ها در نظر بگیریم. این علاوه بر کارهایی است که برای بچه‌ها انجام می‌گیرد از جمله مهارت آموزی و تأمین هزینه‌های تحصیلی. این بچه‌ها اگر دانشگاه بروند تا آخرین مدارج تحصیلی هزینه‌اش را سازمان تقبل می‌کند. این ۱۸ میلیون هم برای کمک به این بچه‌هاست که بتوانند چند نفری با این مبلغ خانه‌ای تهیه کنند یا در حوزه اشتغال وارد شوند از طریق وام‌هایی که سازمان به این بچه‌ها می‌دهد. بعد از پنج سال هم تلاش می‌کنیم تا ارتباط ما با این بچه‌ها قطع نشود در صورت مثل بچه‌هایی که بعد از استقلال از خانواده خارج می‌شوند و ارتباطشان را با خانواده همچنان حفظ می‌کنند.

عمده‌ترین مشکلی که ما با این بچه‌ها داریم مشکلات اعتباری است. هر چند تا حد زیادی اعتبارات این حوزه بیشتر شده و از ۳ میلیون کمک‌های خیرین حرکت می‌کردیم همچنان هم خیرین به ما کمک می‌کنند. اما امسال توانستیم در اعتبارات ۱۸ میلیون تومان کمک هزینه را برای ترخیص این بچه‌ها در نظر بگیریم. این علاوه بر کارهایی است که برای بچه‌ها انجام می‌گیرد از جمله مهارت آموزی و تأمین هزینه‌های تحصیلی. این بچه‌ها اگر دانشگاه بروند تا آخرین مدارج تحصیلی هزینه‌اش را سازمان تقبل می‌کند. این ۱۸ میلیون هم برای کمک به این بچه‌هاست که بتوانند چند نفری با این مبلغ خانه‌ای تهیه کنند یا در حوزه اشتغال وارد شوند از طریق وام‌هایی که سازمان به این بچه‌ها می‌دهد. بعد از پنج سال هم تلاش می‌کنیم تا ارتباط ما با این بچه‌ها قطع نشود در صورت مثل بچه‌هایی که بعد از استقلال از خانواده به بیرون رفته‌اند، مشکل پیدا کرده‌اند. بهزیستی همواره این وظیفه را دارد که پشتیبان این بچه‌ها باشد. درست همچون پدر و مادری که ممکن است فرزندانشان بعد از استقلال از خانواده به مشکل بخورند اما قطعاً حمایت آنها را از دست نمی‌دهند.

**آیا با پیشی درباره اینکه این بچه‌ها اوضاع از دواج‌ها در بهزیستی چگونه است؟ بچه‌های شما بیشتر صورت گرفته و شما در جریان این ماجرا هستید؟**

ما در حال حاضر با کمک حوزه کلینیک‌های مددکاری در حال اجرایی کردن طرح پایش وضعیت این بچه‌ها هستیم. برخی از آنها بسیار افراد موفق هستند و ما برای این بچه‌های فرصتی برای آشنایی آنها با هم به‌وجود نمی‌آید در حین مراسم گروه ثبت‌کردیم و شبکه‌ای در سراسر کشور ایجاد شده تا این بچه‌ها با مراکز ارتباط داشته باشند و بتوانند به بچه‌های ما نشان دهند موفقیت الزاماً ربطی به بودن یا نبودن پدر و مادر ندارد و اگر بچه‌هایی که شرایط مشابه بچه‌های حاضر در بهزیستی را دارند توانسته‌اند موفق باشند، قطعاً همه این بچه‌ها قابلیت گام برداشتن در مسیر موفقیت را



# جوان

روزنامه جوان | شماره ۵۳۳۱

# د

**وقتی خواستگاری برای دختران ما می‌آید چند جلسه مشاوره با فرد برگزار می‌شود. بچه‌های ما اغلب بسیار توانمند هستند و در حوزه‌های علمی و اجتماعی در سطوح بالایی قرار دارند. خوشبختانه نگرش مردم در حال تغییر است. مثل فرزندان خودنگی که قبلاً خانواده‌ها کمتر نسبت به آن اقبال داشتند اما حالا خانواده‌ها می‌خواهند کودکی را به فرزندخواندگی قبول کنند**

دا. داند. ما تلاش داریم با کمک دوستان موفقیت‌گه خودشان از بچه‌های بهزیستی بوده‌اند و با شبکه‌سازی که در تمام کشور صورت گرفته است تبدیل به یک رویه کنیم. البته بچه‌هایی هم بوده‌اند که دچار مشکل شده‌اند مثلاً ازدواج کرده‌اند و درازدواجشان مشکل داشته‌اند و طلاق گرفته‌اند.

**در باره وضعیت مشکلات خانوادگی و طلاق این بچه‌ها چطور: آیا آماری در دست هست؟**

پایشی که صورت گرفته نشان می‌دهد میزان طلاق در بچه‌های بهزیستی از متوسط طلاق در جامعه پایین‌تر بوده است. ما فکر می‌کنیم یکی از دلایل این آمار متفاوت سختی‌هایی است که این بچه‌ها در زندگی‌شان کشیده‌اند و طبعاً دلشان نمی‌خواهد چنین روندی برای فرزندانشان هم تکرار شود. خیلی اوقات متوسط زندگی بچه‌های ما از متوسط سطح زندگی بچه‌ها در آن منطقه و شهر بالاتر است مادر کنار این بچه‌ها حاضر شده تا تاب‌آوری بچه‌های ما بیشتر شود و به راحتی با هر ناراحتی کوچکی جا نمی‌زنند.

من فکر می‌کنم باید برنامه‌هایمان را منسجم‌تر کنیم. هم در زمینه تحصیلی، حرفه‌آموزی، مهارت‌های زندگی و بحث‌های معنوی و دینی در تلاشیم تا بچه‌ها با مشکلات کمتری مواجه شوند.

**با توجه به تحریکات میدانی صورت‌ها و طبق تحقیقات میدانی صورت گرفته ظاهرآ دختران ترخیص شده از بهزیستی با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم می‌کنند: از ازدواج گرفته تا زندگی شخصی. برنامه ویژه‌ای برای حمایت از دختران ندارد؟**

وقتی خواستگاری برای دخترتان ما می‌آید چند جلسه مشاوره با فرد برگزار می‌شود. بچه‌های ما اغلب بسیار توانمند هستند و در حوزه‌های علمی و اجتماعی در سطوح بالایی قرار دارند. البته الان خوشبختانه نگرش مردم متعدد شده و برای بهزیستی هم امکان‌ها به نظر خودنگی که قبلاً خانواده‌ها کمتر نسبت به آن اقبال داشتند اما حالا خانواده‌ها از اقسام مختلف اعم از روحانی، بازاری، پزشکی و مهندسی ما می‌آیند و می‌خواهند کودکی را به فرزندخواندگی قبول کنند اما ۱۰ سال قبل و حتی پنج سال قبل چنین نگرشی نبود. حالا قطعاً خیلی بهتر شده، بچه دخترهایی که با پسرهاى ما ازدواج می‌کنند چه پسربچه‌ای که دختران ما ازدواج می‌کنند کمتر با مشکل مواجه می‌شوند هر چند هنوز هم مشکلات فرهنگی از این دست وجود دارد.

**اوضاع از دواج‌ها در بهزیستی چگونه است؟ بچه‌های شما بیشتر با همدیگر ازدواج می‌کنند یا با افراد خارج از بهزیستی؟**

بیشتر ازدواج‌های ما خارج از بهزیستی است. چون بعد از شش سالگی مراکز پسرانه و دخترانه از همدیگر جدا هستند و چندان فرصتی برای آشنایی آنها با هم به‌وجود نمی‌آید در حین مراسم گروه ثبت‌کردیم و شبکه‌ای در سراسر کشور ایجاد شده تا این بچه‌ها با مراکز ارتباط داشته باشند و بتوانند به بچه‌های ما نشان دهند موفقیت الزاماً ربطی به بودن یا نبودن پدر و مادر ندارد و اگر بچه‌هایی که شرایط مشابه بچه‌های حاضر در بهزیستی را دارند توانسته‌اند موفق باشند، قطعاً همه این بچه‌ها قابلیت گام برداشتن در مسیر موفقیت را

**با توجه به شرایط مشابه و درک بهتر از مشکلات آیا سازمان و کاری برای معرفی این بچه‌ها به همدیگر وجود ندارد؟**

مواردی اگر باشد و مناسب باشد به هم معرفی می‌شوند و مواردی هم بوده در مراسم‌های مشترک و جشن‌ها اما عمده ازدواج‌ها با افراد بیرون از مراکز است.

**سر نوشت بچه‌هایی که از مراکز شما ترخیص شده‌اند اما در دام اعتیاد یا موارد دیگری گرفتار شده‌اند چه می‌شود؟**

در چنین مواردی تمامی مراحل درمان و مراقبت‌های بعدی این برای این بچه‌ها به صورت رایگان انجام می‌شود و وظیفه ماست. سازمان وظیفه دارد این بچه‌ها را پایش کند. در درجه بعدی این بچه‌ها باید به سازمان مراجعه کنند و ما وظیفه داریم به آنها خدمات ارائه کنیم. گاهی مشکلات بچه‌ها با یک جلسه مشاوره بر طرف می‌شود اما گاهی نیاز به مداخلت بیشتر است و کمک‌های مالی یا مشاوره‌ای می‌خواهند.

کبری فرشچی

## انحلال دفتر «برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده» وزارت ورزش و جوانان

دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده وزارت ورزش و جوانان که در شرح وظایف آن رسیدگی به امور مربوط به ازدواج بود، در کمتر از یک ماه اخیر منحل شد و جای خود را به دفتر «برنامه‌ریزی امور جوانان» داد تا یک بار دیگر ثابت شود دولت وقتی به موضوع ازدواج جوانان نمی‌نهد.

آن‌طور که مسئولان وزارت ورزش و جوانان می‌گویند ساختار جدید همچنان در قالب دفتر و زیرمجموعه معاونت جوانان است. در این تغییرات ناصر صبحی قراملکی همراهِ با تغییر نام دفتر تغییر کرد و جای خودش را به سیدجواد رضوی داد تا به عنوان مدیر دفتر برنامه‌ریزی امور جوانان شناخته شود و امور دفتر را به دست بگیرد.

با فرض اینکه ازدواج در دفتر برنامه‌ریزی امور جوانان به عنوان یکی از برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد و به تناسب تغییر نام و تغییر ساز و کار وظایف این موضوع کنار گذاشته نشود، این موضوع به عنوان یکی از موضوعات فرعی مربوط به این دفتر مسرد توجه قرار خواهد گرفت و نمی‌توان به صورت گسترده به آن پرداخت و کمتر از گذشته می‌توان امور مرتبط به ازدواج جوانان را از معاونت جوانان ورزش و جوانان مطالبه کرد. آن‌هم در شرایطی که ازدواج از موضوعات پرچالش کشور ماست و ۱۲ میلیون جوان در حال عبور از سن مناسب برای ازدواج همچون آنهایی که از سن ازدواج عبور کرده‌اند و آنهایی که به تدرج قطعی رسیده‌اند، مورد توجه مسئولان کشور نیستند. به بیان دیگر

انحلال دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده وزارت ورزش و جوانان

و ورود آن به زیرمجموعه کلی امور جوانان، منجر به کاسته شدن از اهمیت و توجه لازم به این امر می‌شود.

شاید بتوان این رخداد را که بی‌سر و صدا و در سکوت رسانه‌های محض انجام شده با ادغام سازمان ملی جوانان و سازمان ورزش مقایسه کرد. رخدادی که با راهدانازی وزارت ورزش و جوانان منجر به کم‌رنگ شدن رسیدگی به امور حوزه جوانان و حل شدن آنها در ورزش شد. حالا هم بعد نیت تبدیل دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده وزارت ورزش و جوانان به «برنامه‌ریزی امور جوانان» حتی نام ازدواج را فرقه‌ست زیرمجموعه‌های معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان حذف کند.

## محمّد بیّت‌سیاح

## زنانی که مرد خانه‌اند

یکی از موضوعات مهم در بدن و متن جامعه در حوزه اجتماعی، موضوع زنان سرپرست خانوار است. زنان سرپرست خانوار که خود زنان بدسرپرست و خودسرپرست را نیز شامل می‌شود جمعیتی قریب به ۲/۵ میلیون نفر را شامل می‌شود و نیازمند نگاه دقیق کارشناسی و حمایتی برای حل مشکلات آنان چه در چارچوب توانمندسازی و چه در دسترس‌گاشی آسیب‌های اجتماعی می‌تربط با این قشر است. برای زنان سرپرست خانوار زنانی که شرایط متعددی همچون فوت همسر، متار، که طلاق، از کار افتادگی همسر، مفقودالاتر بودن همسر و… بر زندگی‌شان بار شده، علاوه بر تعریف نقش شد به عنوان سرپرست خانواده نقش مادری نیز سبگنی خاصی را بر کرده آنان نهاده که موجب شده وظایف مدرنی تقسیم شده در یک خانواده بر عهده یک زن قرار گیرد. تربیت فرزند، رسیدگی به امور منزل، تأمین نیازهای روحی، روانی، مادی فرزندان، تأمین هزینه مسکن و غیره این زنان را با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو کرده و فشارها و تنش‌هایی بیش از حد توان و ظرفیتشان به آنها وارد می‌کند.

این‌اسا همه ماجرا نیست. در بررسی خانواده‌هایی که دارای زنان سرپرست خانوار می‌باشند، اکثراً مدارن به لحاظ سطح سواد، مهارت و سرمایه در وضعیت مناسبی قرار ندارند و فرزندان آنها به عنوان یکی از پیامدهای بدترین فقرهای جامعه آماج محرومیت‌هایی قرار می‌گیرند و بقا ورشد آنها امور تهدید جدی قرار می‌دهد. از طرفی کمبودها و فقر، فشار مضاعفی را بر این‌گونه خانواده‌ها تحمیل کرده و موجب افزایش انواع وضعیت‌های ناشده و سلامت آنها و در نهایت کاهش جامعه را به خطر می‌اندازد. در این میان اما گرچه قانون وزارت رفاه، بهزیستی و کمیته‌امداد را مسئول رسیدگی به وضعیت این قشر آسیب‌تربیف و تفسیر کرده‌اما بر اساس برخی گزارش‌ها قرار گرفتن بیش از نیمی از این قشر در دو دهک پایین جامعه که از دهک‌های بسیار ضعیف اقتصادی می‌باشند، این نگرانی را بیش از پیش تقویت می‌کند که بسته‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار به قدر کافی کفایت امور آنان را نکرده و آنان در سختی‌های باسر می‌روند که به تبع آن آسیب‌های اجتماعی حاصل از وضعیت آنان را می‌تواند بسیر صعودی بیخشد. بخش تلخ‌تر ماجرا نیز اما آنجاست که بر اساس برخی گزارش‌ها تقریباً سالانه ۶۰ نفر به جمعیت زنان بی‌سرپرست نیز اضافه‌شده‌و این جمعیت‌فراگیری بسیار قابل‌تأملی روبرو می‌شود.

**پیامدهای مشکلات زنان سرپرست خانوار:** در این میان اما با نگاهی گذرا به پیامدهای مشکلات زنان سرپرست خانوار می‌توان مشکلات و محرومهای زیر را به طور کلی دسته‌بندی کرد. مواردی همچون:

– رورودن به جرم و فساد برای تأمین نیازهای مالی زندگی
– افزایش تعداد خانواده‌های ناآرام و ایجاد اختلالات روانی و جمعی در اعضای خانواده
– گسترش فقر مادی به‌واسطه نداشتن شغل و مهارت‌های فنی کافی و فرهنگی در جامعه

– ایجاد انحراف و اختلال در تربیت نیروهای فعال و جوان جامعه و…
از دیگر سوسو با توجه به تأکیدات برخی مسئولان مبنی بر ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانوار، تأمین بیمه آنان، طراحی بسته‌های حمایتی و… که هنوز در پیچ‌وخم وعده‌ها سرگردانند باید تصریح کرد که مداخله در مسئله اجتماعی زنان سرپرست خانوار به‌عنوان یک حرکت پیشگیرانه و جلوگیری از تبدیل آن به یک بحران اجتماعی با ایجاد فضای مشارکتی بین سازمان‌های حمایتی و مجامع علمی، مقابله با هم‌پوشانی‌ها و حرکت‌های بی‌سازمان‌ها و بین سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی و مردم‌نهاد، کمک به رزتان سرپرست خانوار از دو جنبان کرده و نیازمند نگاهی به جامعه نهادینه شود.

از سوی دیگر عدم آشنایی کامل به نیازهای زیستی، معیشتی، فرهنگی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار، عدم تناسب بین بسته‌های خدمتی و تعریف‌شده با نیاز امروز این جامعه، نداشتن الگوی خدمت‌رسان و مطلوب و رضایت‌بخش، عدم تبحر منابع انسانی درباره آشنایی خود با مددکاران اجتماعی و امدادگران هم در سازمان‌های حمایتی و هم در سازمان‌های اجتماعی بیش از پیش ضرورت بازنگری در نگاه به حمایت از زنان سرپرست خانوار را دو جنبان کرده و نیازمند نگاهی توجه به پیشنهاداتی همچون تمرکز کلیه امور مالی و حمایتی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در یک سازمان متمرکز، تمرکز کلیه امور حرفه‌آموزی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در یک سازمان به‌ویژه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، حمایت از ایجاد و توسعه تشکل‌های غیردولتی توسط زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنان برای کمک به زنان سرپرست خانوار مثل تعاونی‌ها و… هرچه طرح و بیان می‌شود اما آنچه تمامی این پیشنهادات و محورها را به عینیت نزدیک می‌سازد، توجه جدی به عمق آسیب‌های اجتماعی حاصل از وضعیت این قشر و گوشش در چارچوب اقدام عاجل و مشاهده دستوردهای ملموس این پیشنهادات است.